

در اینجا باز پرس باستماع اظهارات دکتر بود... مشغول بود.

این دکتر تمام وضع سلولهای که زندانیان در آنجا محبوس بودند تشریح میکرد.

او دوبار از جمیله عیادت کرده بود. یکی قبل از عزیمت از حسین دی بعلت درد شدیدی که از ناحیه چپ سینه وجود داشت و یکبار پس از اینکه دومین مرحله شکنجه را گذرانده بود.

و اما در مورد عبدالعزیز بوپاشا، این دکتر او را پس از اعتصاب غذا عیادت کرده و او را بستری نموده بود این دکتر تأیید کرد که مشاهدات خود را در دفتر روزانه عیادت بیماران یادداشت کرده است.

عبدالعزیز بوپاشا خطاب با این دکتر گفت:

آقای دکتر یادتان می آید یکروز که شما در حال معاینه من بودید صدای ناله ای شنیدید؟ پرسیدید چه شده چه خبر است؟ بشما جواب دادم مرا شکنجه میدهند.

شما سر بزیر افکندید و بدون اینکه کلمه ای حرف بزنید کفشها بتان را نگاه میکردید.

آیا وجود این شکنجه های گوناگون نباید در دفتر بیمارستان ثبت شود بالاخره دکتر تصمیم خود را گرفت و گفت چنین وضعی را بخاطر نمی آوردم.

دکتر مرتباً تکرار میکند. من از این جریانات اطلاعی ندارم و ممکن است چنین چیزی شده باشد، من نمیدانم که آثار شکنجه در بدن جمیله بود یا نه، من آنها را معاینه نکرده ام.

جمیله را در حالیکه روی یک برانکار در خوابانده بودند وارد اطاق نمودند.

جمیله فوراً دکتور راشناخت . جمیله گفت:

این دکتور اردوگاه ال بیار است . این مواجه مقداری از گننه های قبلی جمیله را ثابت کرد.

. پدر جمیله هم چیزهائی گفت بالاخره دکتور آغاز سخن کرده گفت گفته های این عده ممکن است صحیح باشد .

ولی من چیزی بخاطر ندارم ، از ماه فوریه ۱۹۶۰ من خیلی چیزها دیده ام ولی هیچکدام در خاطر من نمانده است.

\* \* \*

آقای شوسری لاپره برای کشف حقیقت خیلی اقدام کرد ، حتی بعضی اقدامات او مخالف قانون بود مثلاً برای اینکه من از عکسهای پرونده استفاده نکرده آنرا به جمیله و اعضای خانواده او نشان ندهم عکسها را در پرونده نگذاشته بود .

من میخواستم با این عکسها به جمیله امکان داده شود که ما و ران شکنجه خود را نشان دهد . نه عکس که روی یک کارتن چسبانده شده بودند به جمیله نشان داده شدند .

در این نه عکس فقط دو نفر از آنها افسران اردوگاه ال بیار بودند دوازده دقیقه پس از اینکه جمیله این عکسها را نگاه کرد عکس شماره هفت را نشان داده گفت این دکتور ال بیار بود . بیست و هفت دقیقه بعد عکس شماره ۴ را نشان داده گفت مثل اینکه این عکس ستوانی است که در ال بیار بود .

پس ار لحظه ای عکس شماره ۶ را نشان داده گفت .

من این را دیده ام ولی نتوانست بخاطر بیاورد کجا او را دیده

است .

من سعی کردم اور اکمک کنم .

کجا اورا دیدہ ای، در ال بیار یا حسین دی ؟

خیر نہ در ال بیار ونہ در حسین دی تصور می کنم او رادر فرانسه  
دیدہ باشم .

باز پرس بارضایت رو بن کرده گفت عکس شمارہ را میشناسید  
نہ این عکس کیست

باز پرس گفت این عکس بازرس است و نامش رولاند میباشد و از  
او کہ بہ کائن آمدہ بود عکس برداشته است من هیچ اورا بخاطر نمی آوردم  
ولی جمیلہ اورا شناختہ بود . باز پرس گفت ما مخصوصاً این عکس  
را در میان سایر عکسها گذاشتیم تا مراتب صداقت جمیلہ را بیازمائیم .  
بسیار خوب

نفیسه رو بخوادرش کردو گفت

این افسر ، آن ستوان نیست جمیلہ !

این شبیہ ستوانی است کہ درال بیار از من بازپرسی کردہ بود .

باز پرس از جمیلہ پرسید آیا چیز دیگری میخواهد بگوید او پاسخ  
داد تعجب میکنم کہ شما چیزی جز این عکسها بمن نشان ندادید زیرا من  
قادرم بہمین طریق هویت سایر کسانی را کہ در دادخواستہ متہم کردم  
روشن کنم

بعد از پایان تشریفات باز پرس دادگاہ « کائن » اینطور دیکتہ

کرد .

« .. متذکر می شویم کہ :

بہ مجرد دریافت عکس های « م ، و » و « د کتر ب » آنها را از صورت

جلسہ ہائیکہ بہ پیوستہ بودہ و تا آن تاریخ ، بہیچوجہ در پروندہ تحقیقا

معمولہ وارد نگر دیدہ بودند تفکیک کردیم .

از این بیعد عکسهای فوق الذکر به پیوست صورت مجلسهای سابق الاشعار خواهند بود و بدینوسیله مراتب تسلیم و تحویل آنها را تأیید می کنم .

— عکس برداری مجدد از عکسهای نه گانه ایکه به مقامات ذیصلاحیت ارائه کرده بودیم و همچنین عکسهای مربوط به هفت نفری که اسامی و نشانیهای آنان نیز در ظهر عکسها ذکر شده تاکنون وارد پرونده نشده بودند ولی ما از این بیعد ، آنها را نیز ضمیمه صورت مجلس کنونی خواهیم کرد .

— در فاصله زمانی که برای اولین بار المثنای عکس برداری شده را ارائه کردیم تا هنگامی که اجتماع آنها در محضر باز پرس برای تهیه تدارک صورت مجلس کنونی امکان پذیر گردید ، برقرار کردن ارتباط به سه نفر از اصحاب غیر نظامی دعوی و یک نفر از شهودی که عکسهای مورد بحث به آنها تعلق داشته ، مطلقاً غیر ممکن بوده است .

چه اطلاعاتی ممکن بود از اینها قطعی تر و موثق تر باشد ؟ و چه دلایلی می توانست ارائه کند که با اتکاء بر نیروی خاطرات ذهنی و امکاناتی که برای دریدن کامل نقاب شکنجه کنندگان خود داشت ، بهتر از این باشد .

•\*•

در ۱۲ ژوئیه سال ۱۹۶۱ کمیته نجات جمیلہ تشکیل جلسه داد تا ماجرای جمیلہ را مورد بررسی قرار دهد . این کمیته پس از بررسی وقایع تصمیم گرفت که از ماه نوامبر مبارزه مطبوعاتی شدیدی را به نفع جمیلہ و برضد مانور ژنرال ایره که از جانب پیر مسمه وزیر دفاع فرانسه

پشتیبانی می‌شد و مصمم بود از شناخته شدن رسمی شکنجه دهندگان جمیله جلوگیری نماید آغاز کند این کمیته همچنین تصمیم گرفت که از فرار شکنجه دهندگان جمیله بوپاشا جلوگیری نماید .

سیمون دوبوو آر که ریاست کمیته راعهده دار بود پیشنهاد کرد که یک کتاب یا جزوه‌ای پیرامون این مسئله منتشر شود .

پیشنهاد سیمون دوبوو آر با اکثریت آراء قبول شد و کتاب جمیله بوپاشا نوشته شد .

## فصل هفدهم

### این کتاب مفتوح میماند

در نخستین روزهای ماه نوامبر، خبر گزارها دو سند بسیار مهم را تقریباً بطور کامل منتشر کردند. یکی از این اسنادنامه مورخ ۲۳ ژوئن ژنرال آبره (فرمانده نیروهای فرانسه در الجزایر) بود که از طریق سلسله مراتب بعنوان «شوسری لاپره» باز پرس (دادگاه کائن) نوشته شده بود، و دیگری پاسخ مورخ پنجم اوت آقای (لاپره) به فرمانده نیروهای فرانسه در الجزایر بود.

ژنرال «آبره» طی نامه خود از «اخلاق ارتش» و «آثار و عواقب وخیم و خشم انگیزی که ممکن بود در روحیه سپاهیان گذاشته شود» صحبت میکرد، و در حقیقت با پیشرفت کار بازپرسی مخالفت میورزید اما قاضی «کائن» نیز بنوبه خویش ادامه وظیفه تحقیق در باره حقایق راقص و محکم چسبیده بود. و در نامه جوابیه خود اشعار میداشت که حد آقای «پیر مسمه» و زبر جنک فرانسه نیست تا با و درس حقوق جزایی بدهد.

روزنامہ‌ها که با دقت تمام جریان این کشمکش را بین بازپرس و ارتش تعقیب می‌کردند . در عین حال پرده از «مشغولیات» دیگر ارتش فرانسه نیز بر میداشتند این افشاگری جسته و گریخته در مطبوعات به چشم می‌خورد که فرانسه حتی در لبه پرتگاهی قرار گرفته است که اگر در آن سقوط کند دیگر محلی از اعراب برای دادگستریش باقی نخواهد ماند ژنرال «آیره» که از مراحم آقای «پیر مسمه» وزیر جنگ فرانسه برخوردار بود چنین اظهار لحنیه می‌کرد:

«متن نامه ژنرال آیره»

الجزیره ، ۲۳ ژوئن ۱۹۵۱ ، «آیره» ژنرال سپاه ارتش فرمانده عالی نیروهای فرانسه در الجزایر

دفتر - شماره ۱۷۵۷ - کتاب ژبی

فرمانده عالی نیروهای فرانسه در الجزایر

عنوان

آقای دادبار کل دادگاه بدایت الجزایر

موضوع : «جمیلہ بوپاشا»

عطف - پیرو نامه شماره ۵۷ سرویس ۲۲ مورخ ۱۸ مارس ۱۹۶۱

و نامه شماره ۵۷ سرویس م - ۲۲ مورخ ۳۰ ماه مه ۱۹۶۱

طی نامه مورد عطف از من خواسته اید تا اطلاعات و مدارک متعددی را که باید ببازپرس محکمه «کائن» تسلیم کنید - بازپرسی که از طرف دادگاه بدایت ما مورپی گرد اطلاعات مفتوحه علیه ایکس .. و عاملین ضرب و جرح عمد نسبت بغير نظامی «جمیلہ بوپاشا» می باشد در اختیار شما بگذارم .

بانهایت احترام نوجه جنابعالی رابالمشاهای عکس برداری شده  
ریر که حاوی قسمتی از مدارك و اطلاعات مورد تقاضا می باشد معطوف  
می دارم .

۱ - گزارش سروان «د» شماره ۱۹۶ مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۶۰

۲ - مولفه «قضیه» حفیظ «بو پاشا» مورخ سوم مارس ۱۹۵۰

۳ - مولفه «قضیه» بو پاشا جمیله مورخ ۱۱ مارس ۱۹۶۰

۴ - اظهارات بو پاشا جمیله ملقب به «خلیده»

۵ - گزارش پزشکی قانونی بوسیله دکتر «لوی لروی» مورخ ۱۰

مارس ۱۹۶۰

۶ - گزارش سبرهنك «موله» فرمانده بخش الجزایر - صحرا ،

درباره قضیه جمیله بو پاشا - مورخ ۳ ژوئن ۱۹۶۰

از طرف دیگر مدارکی که طی پاراگراف نهم مرقومه معطوفه  
نخستین درباره شرایط عملیات و تشریفات بازداشت متهم در محل اقامت  
مورد مراقبت قبلی نامبرده درخواست کرده اید ، در تاریخ ۲۹ مارس  
۱۹۶۱ بوسیله تیمسار ریاست کمیسیون بازرسی مراکز اداری بازداشتگاهها  
مستقیماً در اختیار جنابعالی قرار گرفته است.



اما اطلاعات دیگری که درخواست فرموده اید و نیازمند تحقیقات  
بسیار طولانی هستند .

مخصوصاً آن قسمت از اطلاعات مورد تقاضا که مربوط بمحل  
اقامت کنونی نظامیان و ماموران شهربانی است که بنحوی از انحاء در  
عملیات مختلف مربوطه بقضیه جمیله بو پاشا کت داشته اند باید بعرض



مبارک برسائیم کہ تقدیم این اطلاعات با تاخیر بسیار زیاد در اختیار تان قرار خواهند گرفت .

ہر آئینہ باید خاطر مبارک رامہ-حضر دارم کہ آخرین عکس ہا ، صورت و وضعیت ہای حاوی مشخصات و رونوشت شناسنامہ ہر یک از نظامیان و ماموران شہر بانی کہ بنحوی از انحاء در عملیاتی شرکت داشتہ اند کہ طی آنہا آسیب و زبانی متوجہ جمیلہ بوپاشا و عبدالعزیز بوپاشا و احمد عبدلی نژدہ و یا کسانہ کہ این اشخاص را بازجوئی نمود و یا حتی فقط بنحوی از انحاء معاونین در این بازجوئی ہا داشتہ اند ، پیوستہ مرسلہ آئینہ اینجانب نخواہند بود .

ارادتمند در حقیقت ، امر عقیدہ پیدا کردہ ام کہ درخواست عکس از تمام نظامیان و ماموران شہر بانی کہ بطریقہ باجمیلہ بوپاشا نزدیک شدہ اند ہر آئینہ ممکن است در روحیہ افراد سپاہی و یا شہر بانی کہ اشخاص مورد بحث نیز خواہ و ناخواہ ہمکاران آنہا ہستند آثار و عواقب بسیار سریئی داشته باشد .

من عقیدہ خودم را با مقام محترم وزیر جنک در میان گذاشتہ ام و معزی الیہ بانائید کامل مفاد نامہ مورخہ ۲۹ مہ ۱۹۶۱ (شمارہ ۱۵۸۴۲) ناکید فرمودہ اند کہ بانقطہ نظر اینجانب موافقت داشتہ و بنوبہ خود عقیدہ دارند کہ در مورد قضیہ جمیلہ نیز باید از همان طریق عادی اجلاس محاکم صالحہ عمل شود و در صورت لزوم مواجہہ بعمل آید .

اعضاء : « آبرہ »

« بحمدالہ کہ ژنرال آبرہ با این مرقومہ مبارکہ فاتحہ افسانہ افسر دژخیمی را کہ روحش از هیچ شکنجہ ای خیر ندارد ، و افسانہ سر بازی

کہ میل بلو دادن ہم قطاران ندارد و وزیرى که در مانده و معسر است  
کاری از دستش ساخته نیست. خوانند.

مبارزه ارتش و دستگاہ عدالت در این ماجرا دیگر احتیاجی بجوش  
زدن و تکان دادن سر و دست نداشت ، مبارزه ای بود که از ابتداء در نهایت  
سخت گیری و وضوح جریان یافته بود گاه عده ای چنین فکرمی کردند که  
دوستان جمیلہ بوپاشا زحمت سپردن را می دراز و بدل سرعت مطلوب را  
بخود نخواهند داد معذک چهار چوبی که برای پی گیری ماجرای جمیلہ  
برپاشده بود ، اندک اندک قوام می گرفت و بالا می رفت.

هر قدر که زمان بیشتری سپری می شد وزیر جنک و فرمانده کل  
نیروهای فرانسه در الجزایر بیشتر اعتراف می کردند و رسوایی بیشتری  
به بار می آوردند .

توطئه دژخیمان و دولت دیگر فقط حرف مفت و مقوله گنگ و  
ایضاح ناپذیری نبود ، بلکه لامحاله واقعیتی بود که آنرا روی اوراق  
رسمی و مزین به مهر مقامات مسئول ثبت و امضاء کرده بودند.

آقای «شوسری لاپره» باز پرس محکمه کائن نمی توانست اجازه  
دهد که فرمانده نیروهای فرانسه در الجزایر قضیه را بهمین سادگی سمبل  
کند و این لجاجت آشکار در برابر دادگستری را بلا جواب بگذارد لذا  
روز پنجم اوت ۱۹۶۱ دست به حمله مقابل زد .

جواب باز پرس

کائن ، ۱۵ اوت ۱۹۶۱

فیلیپ . شوسری لاپره باز پرس دادگاه عالی بدایت کائن .

قابل توجه

آقای دادستان جمهوری در دادگاه عالی بدایت کائن .  
 موضوع اطلاعات مفتوحه علیه (ناشناس بدون ذکر اسامی) در  
 باره شکایات معطوف بمفاد به بندهای حقوق مدنی قانون اساسی از  
 طرف جمیله بوپاشا نسبت به عاملین بازداشت جبری و غیر قانونی ایراد  
 ضرب و جرح عمدی و شکایات عبدالعزیز بوپاشا و عبدلی احمد از عاملین  
 ایراد ضرب عمدی منتهی به جرح .

•••

بانهایت احترام باستحضار عالی میرساند که اولاً اینجانب بعد  
 از بازگشت از مرخصی رونیوشت های عکس برداری شده شش مدرک  
 مورد ارائه بوسیله تیمسار فرماندهی عالی قوای فرانسه در الجزایر را  
 به اضافه نامه انتقال و تحویل مدارک به امضای افسر ارشد نامبرده و سواد  
 مصدقی از گزارشی که جنابعالی بعد از وصول این اوراق در تاریخ اول  
 ژوئیه ۱۹۶۱ بآقای دادیار کل مرقوم فرموده بودید ، بدست آوردم .

علاوه بر این رونیوشت که امروز بدستم رسید عرضحال احاله  
 دادرسی رانیز که در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۶۱ بیکی از همکاران الجزایری  
 تفویض کرده بودم و رونیوشت آن بیوست نامه ای بود که همان روز  
 برای شما ارسال داشتم . هنگام بازگشت از مرخصی دریافت نمودم .

خاطر جنابعالی رابه این نکته جلب میکنم که مرسوله تیمسار  
 فرماندهی عالی نیروی فرانسه در الجزایر ، پاسخی است به درخواست  
 مدارک و اطلاعاتیکه اینجانب در تاریخ سوم و سپس در پانزدهم ماه مه  
 ۱۹۶۱ برای آن جناب ارسال داشته و عرضحال احاله دادرسی فوق الذکر  
 از طرف اینجانب بدان منظور بوده است که مدارک و اطلاعاتی را که تا

آن تاریخ بدون اخذ کوچکترین نتیجه‌ای از طریق سلسله مراتب درخواست گردیده بود - بطریق مستقیم تحصیل نموده و در عین حال بعد از اجلاس ارباب دعوی در روزهای پیش از انجام این اقدامات مدارک و اطلاعات فوق‌الذکر تکمیل و فهرست قطعی و نهایی آنها تهیه نمایم.

بنابراین مدرکی که از طرف مقام فرماندهی عالی نیروهای فرانسه در الجزایر تحویل شده و همچنین مدارکی که در جریان اجرای فعالیت‌های مربوطه با احاله دادرسی از طرف اینجانب ارسال گردیده، جز قسمت بسیار ناچیز و نارسایی از تمام اوراق و مدارک مورد درخواست اراک تمند نمی‌باشد.

شش قطعه از رونوشت‌های عکسبرداری شده ایکه بوسیله ژنرال «آیره» ارسال گردیده از نظر اطلاعات جاری و اجد ارزش بسیار ناچیزی است.

مثلاً یکی از آنها رونوشت عکسبرداری شده مدرکی است که نسخه اصل آن در پرونده ضمیمه شده، رونوشت عکسبرداری شده دو مدرک دیگر باز هم المثنای همان مدارکی است که در خود پرونده وجود دارد.

رونوشت ارسالی چهارم ورقه‌ای است که ظاهراً صورت مجلس یکی از بازجویی‌های جمیله بوپاشا در آن منعکس شده امانه امضایی دارد نه تاریخی در آن ذکر شده است، حتی بهیچوجه اشاره‌ای در آن نشده که مقامی این بازجویی را بعمل آورده بلکه تنها مطالبی معطوف به اظهارات قبلی متهمه ذیدخل در پرونده دارد و تازه این اظهارات نیز برای مقامات صالحه قضائی گزارش نشده است.

تیمسار فرماندهی عالی نیروهای فرانسه در الجزایر خاطر نشان کرده است که بنوبه خود درباره محل اقامت کنونی نظامیان و ماموران شهربانی که بنحوی از انحاء در عملیات منتهی به آزار و شکنجه جمیله بو پاشا و عبدالعزیز بو پاشا عبدلی احمد شرکت داشتند و یاد در بازجوئی از این اشخاص شریک و سهیم بوده اند تحقیق خواهند کرد اما تأکید کرده است که عکسهای مورد درخواست اینجانب را از این نظامیان و ماموران شهربانی در اختیار ارادتمند نخواهد گذاشت .

مشارالیه توضیح داده است که بعقیده خودش درخواست عکس از تمام نظامیان و ماموران شهربانی که بنحوی از انحاء توانسته اند به شاکیان سدگانه مورد بحث نزدیک شوند ممکن است عواقب بسیار سوء و وخامت آمیزی در روحیه سپاهیان و سرویس‌هایی داشته باشد که مورد خدمت این افراد می‌باشند .

ژنرال آیره اضافه میکند که عقیده اش را با آقای وزیر جنگ فرانسه نیز در میان گذاشته و مشارالیه ضمن نامه مورخ ۲۹ مه ۱۹۶۱م عقیده وی را تأیید کرده است که در مورد این پرونده نیز باید از طریق عادی اجلاس محاکم صالحه و در صورت لزوم از سیستم مواجهه استفاده شود .

و اما .

خود اینجانب در جریان اجرای وظایف مربوط باحاله دادرسی که از ۲۹ ژوئن ۱۹۶۱ آغاز گردید ، اطلاعات بسیار دقیق و موثقی در باره محل اقامت کنونی ماموران شهربانی :

۱ - ۲ل - ۳ژ - ۴ج - ۵ف - ۶پ - ۷ز .. و همچنین آدرس کنونی سروان «د» را که بعد تغییر مکان داده و بالاخره يك قطعه عکس هر کدام از این هفت نفر را بدست آورده ام در حالیکه افسر شهر بانی مامور

بدست آوردن این عکس‌ها و آدرس‌ها در گزارش خود خاطر نشان کرده است که موفق به تحصیل هیچ‌کدام از این مدارک نگردیده و حتی کوچکترین اشاره‌ای بوضع نظامیان مورد نظر بوده‌اند نکرده‌است.

بنابر آنچه که فوقاً بعرض رسید ظاهراً ارضاء سریع تر درخواست‌های اینجانب که به عقیده خودم کاملاً طبیعی و مشروع است، زیر ابعات آنکه ارائه این درخواستها در ماههای مارس و مه ۱۹۶۱ از طریق سلسله مراتب تا کمون بهیچوجه مررد توجه و مطالعه مقامات ذیدخل قرار نگرفته مطلقاً به حسن نیت تنها مقام صالح نظامی فرانسه در الجزایر بستگی دارد.

بانهایت تأکید خاطر نشان می‌سازد که تعقیب بازپرسی تا هنگامیکه کلیه مدارک و اطلاعات مورد تقاضای اینجانب در اختیارم قرار نگرفته امکان پذیر نخواهد بود اطلاعاتی که مشعر بر اتهاماتی از قماش محتوی موارد اسناد جرم در این پرونده باشد و در همان حال معطوف و مربوط به کسانی باشد که همگی واجد مدخلیت در پرونده بوده و همگی مقیم الجزایر باشند و معذک مراحل بازپرسی و دادرسی بدون حضور و شرکت آنها صورت گیرد، باندازه‌ای مخدوش است که بازپرسی را از حقایق امور جدا می‌کند و باین ترتیب، انکاء برای اطلاعات مخدوش و ناقص جز ایجاد خدشه در بروز و تظاهر حقایق و جز آنکه تمام فعل و انفعالات بازپرسی و دادرسی بی‌اندازه گران تمام شود و آبروی دستگاه دادگستری را ببرد، نتیجه‌ای نخواهد داشت

علیرغم رویه‌ایکه آقای وزیر جنگ و تیمسار فرماندهی کل نیروهای فرانسه در الجزایر پیش گرفته‌اند، در هر حال اینجانب پافشاری مصرانه‌ای دارد که عکسهای مررد در خواست و ارد پرورنده بشوند و بازداشت‌شکبان

سه گانه این پرونده و یا در بازجوئیهای مختلفی که از آنها بعمل آمده ده هانفر نظامی و مأموران شهر بانی شرکت داشته اند. البته شاکیان ادعای می کنند که تمام این افراد نظامی و مأموران شهر بانی، در شکنجه و آزار آنها شرکت داشته اند، بلکه تنها عده ای از آنها را عاملین شکنجه های خود معرفی کرده اند، و ادعای می کنند که اسامی شکنجه کنندگان، و غیر از پاره ای موارد نادر و استثنائی، مشاغل آنها را نیز حقیقتاً فراموش کرده و یا بآن توجهی نکرده اند.

بنابر این وظیفه من ایجاب میکند تا به شاکیان امکان شناسایی شکنجه کنندگان را بدهم این کار میسر نیست مگر آنکه افراد شاکی بادهان نظامی، مأمور شهر بانی که تماسی با آنان داشته اند، روبرو گردند و لو آنکه عکس های این اشخاص بآنها نشان داده شود.

نحوه شناسایی از روی عکس، که بعلاوه فرمول بسیار رایجی میباشد؛ امکان خواهد داد تا افراد خارجی و غیر ذبدخل تشخیص داده شوند.

اینکار اجازه خواهد داد تا صداقت و در عین حال ارزش اظهارات و خاطرات شاکیان درباره شکنجه هایی که تحمل کرده اند خیلی بهتر و دقیقتر از مواجهه اشخاصی که حتی ممکن است در حول و حوش شهود ثالث بوده باشند، ارزیابی گردد.

بعلاوه نحوه عمل بطریقی که معروض داشتم واجد سرعت بیشتر و مقرون بصرفه ترین شیوه ای است که ممکن است عمل شود.

زیرا اینجانب در نظر دارم تمام افراد خانواده جمیله بوپاشا را با کسانیکه طبق ادعای آنها عاملین شناخته شده شکنجه بوده اند، اصولاً یکجا مواجهه دهم.

بالاخره ، من عقیده دارم - و ظاهراً افسران شهر بانسی الجزیره نیز بامن هم عقیده هستند که - گرفتن عکس هر کدام از نظامیان و مأموران شهر بانسی که بنحوی از انحاء در ماجرای جمیله دست داشته‌اند ممکن است خیلی کمتر از روبرو کردن مستقیم و اجباری آن‌ها باشا کیان و متهم کنندگان عاملین شکنجه در دادگاه «کائن» موجب بروز عواقب وخیم و سوء در روحیه سپاده‌ها و سرویس‌های مورد اشتغال این نظامیان و مأموران شهر بانسی گردد .

موجب نهایت امتنان خواهد بود که جناب عالی آقای وزیر دادگستری را ترغیب فرمائید تا پابمیدان گذارند و از آقای وزیر محترم جنگ بخوانند که تمام مدارک و اطلاعات و همچنین تمام عکس‌های مورد تقاضا در عرض حال احاله دادرسی از طرف اینجانب که از تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۶۱ آغاز گردید ، و رونوشت‌های عکس برداری شده آنها را بپیوست این نامه تقدیم کرده‌ام ، در اسرع وقت باینجانب تحویل کردند .  
«باز پرس»



کمیته نجات جمیله بوپاشا نیز بنوبه خود تصمیم گرفت تا از وسایلی که علیه سوء قصد ارتش نسبت با استقلال قوه قضائیه و اجدارزش و اهمیتی بودند استفاده کند .

نظر باینکه در فرانسه صورت ظاهری از التفات بحرمات حقوق و قانون وجود دارد ، لذا واجب بود مخصوصاً کسانی را که وظیفه‌دار حفاظت این حریم بودند ، در مقابل آن قرار میدادیم ، طی کنفرانس مطبوعاتی مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۶۱ که در سالن گل‌خانه‌ها ، برپا شد .



«سيمون دو بو آر» - در حالیکه «پير کوت» وزير اسبق کابينه فرانسه و استاد حقوق - «آندره خودير» استاد حقوق و «شارل آندره ژولين» استاد دانشگاه «سوربن» وی را احاطه کرده بودند - اعلام کرد که از طرف حميله بوياسا اعلام جرمی علیه ژنرال «آبره» فرمانده عالی نیروهای فرانسه در الجزایر و «پير مسمه» وزير جنگ فرانسه بمقامات صالحه تسليم خواهد گردید .

این نحوه عمل مستلزم تجسسات حقوقی بسیار دشواری بود ، زیرا همانطور که تردیدی وجود ندارد سوابق امر بسیار نادر و کهنه بودند و صاحبان قدرت و دستگاه دولتی نیز آشکارا تلاش میکردند تا موانع حصول نتیجه از این شیوه توسل را بمنظور اجتناب از ناگزیر شدن بدرگیری در کشمکش و جر و بحثی که باین ترتیب علم میشد ، زیادتر سازند .

بحث بر سر این مطلب بود که مقامات نظامی خاطیان را در پناه خود گرفته و علیه اصل تفکیک قوای سه گانه سوء قصد کرده بودند . روز پنجم دسامبر ۱۹۶۱ خانم «ژبزل حليمی» ( نویسنده این کتاب ) عرض حال اعلام جرم حميله را باستناد بمدلولهای بخش حقوق مدنی قانون اساسی فرانسه ، علیه ژنرال «آبره» و «پير مسمه» به آقای «رینو» شيخ القصات باز پرس حوزه «سن» تسليم کرد .

عین عرض حال که خطاب به آقای «رینو» نوشته شد از این

قرار بود :

چهارم دسامبر ۱۹۶۱

بعنوان

آقای شیخ القضاة بازپرسی دادگاه عادی «سن» پاریس .

آقای شیخ القضاة :

اینجانبه جمله بوپاشا که عجالتاً در زندان ( فرسنه ) محبوس

میباشم مفتخراً خاطر مبارك را مستحضر میدارم :

## ۱- واقعیات

روز ۱۷ مه ۱۹۶۰ بانهام قتل عمد و معاونت با مجرمین در محضر دادگاه نظامی الجزیره حضور یافتم .

قضاة این دادگاه اساساً اعترافات اینجانبه را بعنوان دلایل جرم مورد تأکید قرار دادند.

من روز دهم فوریه ۱۹۶۰ در الجزیره بازداشت شدم و سپس مدت ۳۳ روز در مراکز بازداشت (ال بیار) و حسین دی محبوس گردیدم . در این دو بازداشتگاه شکنجه های وحشتناکی را متحمل شدم .

روز ۱۵ مارس ۱۹۶۰ بعد از آنکه قرار بازداشت بوسیله آقای «برار» بازپرس الجزیره برویتم رسید؛ بار دیگر اعترافاتی را که کرده بودم در زیر آزار ، شکنجه ناگزیر به بحر زبان آوردن آنها شده بودم

تکرار کردم .

معدلك هنگامیکه از اطاق باز پرس خارج میشدم، ناله کنان اظهار داشتم که شکنجه کرده اند .

در صورت مجلس همین بازجوئی ۱۵ مارس ، اشاره ساده ای از اینجانبه ، بمضمونی که عرض کردم ، شده است .

روز ۱۷ مه ، در همان حالیکه وکیل مدافع اینجانبه تقاضای احاله دادرسی را در دادگاه نظامی عنوان کرده و موفق بتحصیل رأی مثبت دادگاه گردیده بود : شکایتی علیه شکنجه و بازداشت غیر قانونی مغایر با مفاد مصرحه بندهای حقوق مدنی قانون اساسی ، بباز پرس الجزیره تقدیم کردم .

دادگاه بدایت ، بعد از حوادث مختلف ، بوسیله حکم مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ ، بناباقتضای مقررات امنیت عمومی ! محاکم الجزایری را از تعقیب دادرسی در مورد پرونده این جانبه عزل کرد و پیگردادرسی را در مرحله جدید بآقای باز پرس محکمه « کائن » ( کالوادرس ) تعویض نمود .

در خلال ایام وقوع این حوادث اینجانبه را بمنظور تجدید معاینه پزشکی قانونی و رسیدگی بصحت و سقم نخستین پزشک خبره ، از الجزایر پاریس انتقال دادند .

آقای « شوسری لاپره » باز پرس محکمه ( کائن ) که ادامه رسیدگی بایشان محول شده بود .

از همان تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۶۱ ( پرونده در تاریخ ششم فوریه به « کائن » رسیده بود ) ضمن مکاتبات خود با مقامات صالحه درخواست

کردند که گزارش کامل اوضاع و احوال هر کدام از نظامیان و ماموران شهر بانی که بنحوی از انحاء در بازداشت و زندانی کردن و بازجوئی های من در زندان (حسین دی) و (البیار) شرکت داشتند از نقطه نظر مشخصات منطبق با قوانین مدنی، و همچنین نشانیها و عکس های آنها، برای وی ارسال گردد.

مشارالیه در تاریخهای سوم مارس ۱۵ مه و ۲۹ ژوئن ۱۹۶۱ تقاضای خود را مکرراً عنوان نمود اما توفیقی بدست نیاورد  
ژنرال آیره ضمن ارسال نامه مورخ ۳۳ ژوئن ۱۹۶۱ خود با آقای (شوسری لاپره) (از طریق سلسله مراتب) با اطلاع ایشان رسانید که طبق عقیده و توصیه آقای (پیر مسهه) وزیر جنگ، عکس های مورد درخواست برای بازپرسی (کائن) ارسال نخواهد گردید. فرمانده عالی نیروهای فرانسه در الجزایر موضوع فوق را بشرح زیر با سیدضار آقای (شوسری، لاپره) رسانیده است.

(در باره سوء اثر گرفتن عکس از شکنجه کنندگان در روجیه سپاهیان و پلیس و...)

آقای (شوسری لاپره) طی نامه مورخ ۵ اوت ۱۹۶۱ جواب دادند.

(در باره اینکه اجابت تقاضای ایشان تنها بستگی بحسن نیت مقامات نظامات دارد. متن این نامه قبلاً چاپ شده است.)

اما هیچ جوابی ببازپرس (کائن) داده نشد، و ناگزیر تصمیم گرفت که بدون وصول مدارک و اطلاعات مورد درخواست بهیچوجه کار بازپرسی را ادامه ندهد.

پیرو اقدامات تازه دیگری که در روزهای ۷ و ۸ نوامبر ۱۹۶۱

به منظور کسب اطلاعات و مدارک ضرور صورت گرفت ، سرانجام نتایج قطعی بدست آمد .

بطوریکه اکنون پرونده مورد بحث حاوی همه عناصر مورد لزوم هست تا اتخاذ نتیجه دایر بر ثبوت جنایات و شکنجه‌هایی را که اینجانبه بآنها اشاره کرده‌ام امکان پذیر سازد

اکنون بر ذمه دستگاه عدالت است که علیه شکنجه کنندگان مسن اسناد جرم کند بدیهی است که تنها وسیله برای تحقق این منظور عبارت از کشف هویت و نشانی و تحصیل عکس‌ها و مدارک مورد درخواست از طرف باز پرس میباشد .

نتیجه‌ای که مقدماً مستفاد میشود این است که آقای (مسمه) وزیر جنگ و ژنرال (آیره) فرمانده عالی نیروهای مسلح فرانسه در الجزایر تصمیم گرفته اند تا مدارکی را که بمنظور حصول توفیق در ابراز حقایق برای مقام صالحه دستگاه قضاوت و دادگستری نهایت لزوم را دارند، در اختیار این مقام نگذارند .

آن‌ها با این عمل بیک باره مرتکب خلاف انخفای تبهکاران که مجازات آن در ماده ۶۱ قانون جزا پیش بینی شده و در عین حال مرتکب سوء قصد نسبت باز ادیهای عمومی که ماده صد و چهاردهم قانون جزا مجازات آن را تصریح کرده است گردیده اند .

بطوریکه دیلا نشان داده میشود ، رسیدگی بخلاف وزیر جنگ و فرمانده نیروهای فرانسه در الجزایر در صلاحیت محاکمی است که مامور بسط و حمایت حقوق عمومی هستند

## ۲ - درباره اخفای خاطیان

ماده ۶۱ بند دوم قانون مجازات عمومی (مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۴۵)

اشعار می دارد :

(کسانی که اعمال آنها با موارد مشروحه فوق منطبق نباشد و عالمأ و عامداً مبادرت با اخفای شخصی کنند که واقف بر مراتب ارتکاب جنایتی توسط آن شخص می باشند و با عالم بر مراتب جریان پیگردشخص خاطی از طرف دستگاه عدالت بوده ، و با مبادرت بگریزاندن جنایتکار از توقیف تعقیب شدن نموده و یا سعی در گریزاندن جنایتکار از توقیف و تعقیب شدن نماید ، مستوجب جزا خواهند بود.)

آشکار است که آقایان (مسمه) و ژنرال (آبره) با منتهای تحویل مدارک مورد درخواست از طرف بازپرس مرتکب خلاف گریزاندن جنایتکاران از بازداشت و تحقیقات و یا درصدد ارتکاب این جرم بر آمده اند .

سه عنصر مشکله ارتکاب خلاف از طرف وزیر جنک فرمانده عالی

نیروهای فرانسه در الجزایر ذیلاً جمع شده است:

الف - عمل اخفای خاطی .

انعکاس این جرم در امتناع مقامات نظامی فرانسه از فراهم کردن عکس هایی است که برای کشف هویت عاملین جرم و جنایت مورد ادعای شاکیان ضرورت اکید دارد و وظیفه رسیدگی بشکایت آنها بر عهده بازپرس گذاشته شده است؟

تحویل و تدارک این مدارک جز بوسیله مقامات نظامی امکان پذیر

نیست .

علیهذا مرتکبین این خلاف جزد و مقام نظامی مورد بحث در این عرض حال که مشترکاً تصمیم بخودداری از تحویل مدارک ببازپرس ، گرفته اند نیستند .

### ب - اشخاص مورد اخفاء

این اشخاص عبارت از عاملین جنایت و شکنجه و بازداشت قانونی مورد بحث در این عرض حال هستند .

کاملاً بدیهی است که عکس های آنها از طرف بازپرس درخواست شده تماماً محروم و جنایتکار نیستند ، بلکه میتوان با اطمینان تمام تأکید کرد که مجرمین و جنایتکاران در میان این اشخاص هستند .

بنابراین ، دسته اخیر الذکر چنانکه مشروحاً بعرض رسید تحت حمایت مقامات مسئوله نظامی قرار گرفته اند تا از تحقیقات و بازداشت شدن ایمنی داشته باشند .

### ج - قصد جرم

جرم اخفای خاطیان (قصدی) است . ماهیت قصد به مجرد لحظه ای آشکار می شود که عامل اخفای مجرم ، عالماً و عامداً ، یعنی خواه با اطلاع از وقوع جرم بوسیله شخص اخفا شده و خواه با وقوف بر مراتب جریان پیگرد مجرم بدلیل ارتکاب جرم او از طرف دستگاه عدالت عمل کرده باشد .

دلایلی که محرک شخص در معاونت با مجرم و فرار دانش از تحقیقات و با ایجاد امکانات مناسب برای فرار مجرم باشند ، حتی در صورتی که این دلایل تا حدودی شرافتمندانه و درست نیز تلقی شوند ، در هر حال اهمیت بسیار اندکی دارند و مجوزی برای برانته عامل ارتکاب این

خلاف قرار سی گیرد) (فانون جزا بانفسیر و حواشی از (گارسون) چاپ جدید بند ۶۱ شماره ۷۰

### ۳- در باره سوء قصد بحقوق مدنی و فانون اساسی

سده ۱۱ فانون جز اتمام کارمندان و صاحب مناصب + نسانندگان و ماموران دولت را که حکم باعمال جبر و شکنجه و یا هر نوع عمل دیگری که با آزادی فردی و حقوق مدنی افراد و یا با مفاد و مصدحات فانون اساسی مابینت داشته باشد صادر کنند و یا بنحوی از انحاء دست بار تکاب اعمالی از این قبیل زنند، بمجازات محرومیت از حقوق مدنی محکوم کرده است.

با این تفصیل آیا حقوق مدنی اساسی تری هم از حق تظلم و توسل بدستگاه عدالت، از جانب کسی که خود قربانی جنایتی قرار گرفته وجود دارد؟

آیا در فانون اساسی اصلی مسلم تر از تفکیک قوای سه گانه میتوان یافت.

آقایان (مسمه) و (آبره) به زنجیر کشیدن روال عادی اجرای عدالت بنحویکه باز پرس محکمه کاتن یاری باز کردن و گسستن این زنجیر را ندارند بیکباره مرتکب سوء قصد نسبت بحقوق مدنی و سوء قصد نسبت باصل تفکیک قوای سه گانه در فانون اساسی شده اند.



## ۴ - در باره صلاحیت

عاملین خلاف‌های مذموم و مورد شکایت اینجانبه ، چنانکه بعرض رسید توأماً آقایان (پیر مسمه) وزیر جنگ و ژنرال (آیره) فرمانده نیروهای مسلح فرانسه در الجزایر هستند .

تا آنجا که آقای وزیر جنگ مربوط می‌شود ، می‌توان پرسید که آیا ایشان با تصدی مسند وزارت ، مستوجب تعقیب از طرف دیوان کیفر هستند که قانون اساسی فرانسه بموجب ماده شصت و هشتم وظایف آن را تصریح کرده است؟

باید گفت که در عمل بهیچوجه چنین نیست در واقع ، آئین و سنت و طریقه قضاوت محاکم فرانسه ، متفقاً بشیوه‌ای است که دیوان کیفر را علیرغم وظایف استثنائی آن بعنوان یک محکمه (رقابت) صرفاً با محاکم عادی دانست .

توجه جناب عالی را با استشهاد شخصیت‌های مفصله الاسامی زیر جلب می‌کنم

- آقای - ژنی - بارنلی و دوئه (حقوق قانونی) چسپ دوم

۱۹۳۳ ص ۷۰ .

(در باره مسئولیت‌های جزایی وزیران)

(کیفر وزیرانی که مرتکب خلافی مطابق با صراحت قانون جزا

شوند ممکن است متوجه شخص آنها و یا اموال آنان باشد .)